



## کمتر مردی جور زن معتادش را می کشد/عامل لغزش کردن زنان پس از چند بار ترک مواد مخدر چیست؟

به زحمت روی صندلی جلوی پراید جا می شوند و چشم می دوزند به مردمی که به سرعت میان تاکسی ها و اتوبوس های پایانه رفت و آمد می کنند. پدر بیرون از پراید مقصد را با صدای بلند تکرار می کند و عرق را با دستمال یزدی کهنه ای که دور گردنش پیچیده پاک می کند. سر و وضع راننده و یچه ها مناسب نیست لباس های کهنه و رنگ و رو رفته، صورت های رنگ پریده و سیاهی هایی که روی شیارهای عمیق دست مرد خانه کرده. خستگی و گرما امان پدر و پسران را بریده. مرد بطری آب یخ زده را بالا می کشد و با صدای ضعیف تری می گوید: پاسگاه... پاسگاه نعمت آباد..... دو نفر... حرکت....

زهره حاجیان - ایسکانیوز: پرایدی زهوار در رفته تمام تصویری است که می توان از راننده ای داد که در یکی از پایانه های تاکسیرانی به لطف گیر ندادن راننده های خطی مسافر کشی می کند. مردم و راننده های خطی به دیدن او و دو پسرش که مجبورند صبح تا شب روی صندلی جلوی پراید بنشینند و همراه پدر مسافران را جابه جا کنند عادت کرده اند. حتی سر ظهر از غذایشان به پسرها تعارف می کنند و آنها با اشتها می خورند. مدت ها از زمانی که مادر غذاهای خوشمزه می پخت گذشته و حالا در نبود مادر و بستری شدنش در کمپ ترک اعتیاد، مجبورند هر شب نیمرو یا تخم مرغ آب پز بخورند.

این تصاویر همه داستان مردی است که به جرم پایین بودن به زن و بچه هایش در خیابان های شهر مسافر کشی می کند و مجبور است که فرزندانش را با خود همراه کند و در این روزهای گرم و داغ در خیابان ها کار کند تا بلکه بتواند شکم خود و فرزندانش را سیر کند و علاوه بر کرایه خانه، هزینه ترک اعتیاد همسرش را در بیاورد.

مرد اما این را خوب می داند که اگر کمک و همکاری راننده های تاکسی پایانه ای در غرب تهران نبود و آن ها اجازه نمی دادند یکی در میان مسافران خط سید خندان را سوار کند وضعیت مرد از این بدتر هم می شد.

وضعیت زندگی مرد را تقریباً همه رانندگان خطی غرب تهران می دانند و گاهی که مسافری از سر کنجکاوری بپرسد پاسخ می دهند اما مسافرانی که حتی برای یک بار سوار پراید قدیمی با دو مسافر ثابت روی صندلی جلو شده اند سرنوشت و زندگی مرد را بهتر می دانند و بدون شک این سوال برایشان پیش آمده که مگر می شود این طور زندگی کرد؟

پسرهای ۴ و ۶ ساله مرد از کمترین امکانات زندگی و حتی رعایت اصول اولیه بهداشتی نیز محرومند و گاهی بوی عرق آنها مسافران را آزار می دهد اما اگر کسی اعتراضی نمی کند به دلیل سختی نوع زندگی مرد و بچه ها است.

راننده ۴۶ ساله است با صورتی سیاه چرده اهل یکی از شهرهای جنوبی کشور اما شیارهایی که مهمان صورتش شده اند نشانه سال ها رنج و درد و عذاب را نشان می دهد و مردی ۶۰ ساله را تصویر می کند.

به گفته خودش تا همین چند سال پیش زندگی خوبی داشته و به همراه همسر و فرزندانش زندگی خوبی را می گذرانده اما از زمانی که زنش درگیر اعتیاد می شود همه چیز زندگی شان به هم می خورد.

حالا مرد این جاست ، گوشه ای از همین شهر بی در و پیکر... و دارد با سخت ترین شکل زندگی می کند .  
مرد هنوز به اصول خانواده پایبند است و بارها همسرش را در کمپ های ترک اعتیاد بستری کرده و امیدوار است که بهبودی پیدا کند و سرخانه و زندگی برگردد و دیگر مجبور نباشد که بچه ها را روی صندلی جلوی ماشین بنشاند و با خود در خیابان های شهر بچرخاند .

اما چه عاملی باعث می شود که زن با تجربه بارها ترک کردن دوباره اقدام به مصرف مواد مخدر کند واقعیتی است که نیاز به کار کارشناسی و بررسی صاحب نظران دارد .  
آن چه مهم به نظر می رسد این است که زن باید متوجه شود که سه جفت چشم منتظر حضور او در خانه است و سه جفت دست که منتظر نوازش او هستند .

زن باید بفهمد که خانه ای در انتظار بوی خوش غذاست . زن باید بداند که آنها به دلیل گرایش و وابستگی نابه جای او به مواد در بدترین شرایط بهداشتی ، روانی ، غذایی به سر می برند. این تصویری واقعی از زندگی مردی است که به پای زن معتادش نشسته ....